

## ریشه های قدرت یابی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۸/۰۳)

دکتر صلاح الدین هرسنی<sup>۱</sup>

پژوهشگر ارشد مسائل بین الملل، عضو انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا و مدرس مدعو دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دانشگاه مازندران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس و نوشهر، ایران

عاطفه تخله

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشجوی دکتری دانشگاه تهران و عضو انجمن مطالعات حقوقی استان مازندران، ایران

حامد خانه کشی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی

### چکیده

ترامپ را می توان پدیده انتخاباتی آمریکا در کنوانسیون های ایالتی، کنوانسیون ملی حزب جمهوری خواه و انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۲۰۱۶ دانست. محور اصلی اندیشه های ترامپ را ملی گرایی آمریکایی تشکیل می دهد. دغدغه و هدف اصلی پژوهش حاضر این است که ضمن واشکافی پدیده ترامپ، ریشه های قدرت یابی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ را مورد بررسی قرار دهد. لذا در پاسخ به این پرسش تنظیم شده است که: قدرت یابی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ معلول چه شرایط و عواملی است؟ فرضیه ای که در پاسخ به پرسش پژوهش مورد سنجش قرار می گیرد آن است که قدرت یابی دوباره ترامپ ریشه تابعی از جنبش (ماگا) و حمایت قدرت پنهان از ترامپ، اقتصاد فشل و ناکارآمدی دموکرات ها، به چالش رفتن مرجعیت علمی سلبریتی ها، بهره گیری ترامپ از ادبیات تهاجمی در فرایند مناظرات انتخاباتی، عدم محبوبیت بایدن و مسائل اجتماعی، عدم آمادگی آمریکا برای پذیرش رئیس جموری زن، عملکرد ضعیف رای دهندگان لاتین تبار ها، تمرکز

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول Email:S.Harsani.k@gmail.com



بیش از حد هریس بر تحقیر ترامپ، ترور ناکام و عقیم ترامپ، حمایت ایالت‌های چرخشی، عملکرد ضعیف دموکرات‌ها، تناقض و غافلگیری در نظر سنجی‌ها و استفاده ترامپ از ادبیات اغوا گرایانه در رقابت‌های انتخاباتی بوده است.

## واژگان کلیدی: ترامپ، جنبش ماگا، آمریکای اول، جکسونیسم، قدرت پنهان

### مقدمه

انتخابات ۲۰۱۶ ایالات متحده آمریکا را باید نقطه عطفی برای اجرای سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور دانست. در این انتخابات «دونالد.جی. ترامپ» با توجه به خصوصیات فردی، پیشینه خانوادگی، فعالیت اقتصادی به واسطه تعقیب الگوی مرکانتلیسمی و موضع‌گیری‌های او در خصوص مسائل داخلی و مسائل کلان بین‌المللی و اتخاذ ادبیات انتقادی در قبال نظام سیاسی خارجی آمریکا توانست بر هیلاری کلینتون نامزد حزب دموکرات‌ها پیروز شود. به واقع قدرت رسیدن ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶ نشان داد که در برخی مواقع، زمینه برای ادغام کارگزاران حاشیه‌ای و بازیگران متعلق به گروه‌های فشار در ساختار دولت فراهم می‌شود. به عبارت دیگر، روند‌های تحول سیاست داخلی آمریکا شرایطی را به وجود می‌آورد که بخشی از گروه‌های خارج از دولت می‌توانند به گونه تدریجی در ساختار اجرایی جذب گردیده و به این ترتیب منافع سیاسی و اقتصادی گروه‌های همسود خود را افزایش دهند. نشانه‌های چنین وضعیتی بخشی از نظریه سیاست در آمریکا محسوب می‌شود که توسط جیمز مدیسون تبیین گردیده و به گونه مرحله‌ای باز تولید شده است. مدیسون چنین فرایندی را به عنوان بخشی از انعطاف‌پذیری ساختار حکومتی دانسته که تحت تاثیر تقاضای همواره در حال تغییر شهروندان و گروه‌های ذینفوذ ترمیم می‌شود. ورود دونالد ترامپ به ساختار دولت و عرصه حکومت نشان داد که نظام سیاسی ایالات متحده تحت تاثیر گروه‌های ذینفوذ قرار گرفته و از انعطاف‌پذیری لازم در ارتباط با نقش‌یابی گروه‌های فشار برخوردار است. نقش‌یابی دونالد ترامپ در حوزه



سیاست و قدرت راهبردی ایالات متحده بیانگر این واقعیت است که نهاد های سیاسی از قابلیت انعطاف پذیری و هم تکمیلی در آمریکا بر خوردارند. الگوی سیاست خارجی ترامپ با پیروزی در انتخابات ۲۰۱۶ در قبال نظام بین الملل بر مبنای آمریکای اول و اعمال سنت جکسونیسم بوده است. در قبال ایران نیز ترامپ از اعمال سیاست فشار حداکثری در قبال جمهوری اسلامی ایران استفاده کرد. پیروزی و راهیابی دونالد ترامپ بعد از یک دوره فترت ۴ ساله در انتخابات پنجم نوامبر ۲۰۲۴ از همان عوامل پیروزی او در انتخابات ۲۰۱۶ ناشی گردید. در پیروی انتخابات ۲۰۲۴ پنجم نوامبر نقش عواملی چون: تیز هوشی، ابتکار و عمل و بر مبنای جنبش (ماگا) و حمایت قدرت پنهان از او، حمایت ایالت های چرخشی، عملکرد ضعیف دموکراتهای، غافلگیری در نظر سنجی ها و استفاده ترامپ از ادبیات اغوا گرایانه در انتخابات پنجم ترامپ ۲۰۲۴ غیر قابل انکار است. با توجه به پژوهش های گذشته یعنی «واکاوی سیاست خارجی دونالد ترامپ با تاکید بر هژمونی نظم جهانی لیبرال» و «سیاست خارجی ترامپ و واقعیت های نظام بین الملل» و «واکاوی سیاست خارجی ترامپ در غرب آسیا» و «راهبرد کلان ترامپ در برابر نظام بین الملل برپایه مکتب جکسونیسم» مقاله حاضر به نوع خود پژوهش جدیدی است که می تواند زمینه را برای انجام پژوهش های دیگر با ورود ترامپ به کاخ سفید در ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵ از سوی پژوهشگران مسائل بین الملل فراهم کند. در این ارتباط، بیشترین تلاش ممکن به عمل آمده تا به پرسش های پژوهش پاسخ مناسب داده شود. با توجه به موضوع و اهداف، پژوهش حاضر عهده دار پاسخ به این پرسش است که: قدرت یابی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ معلول چه شرایط و عواملی است؟ فرضیه ای که در پاسخ به پرسش های پژوهش مورد سنجش و آزمون قرار می گیرد، بر اساس متغیر های مستقل و وابسته تنظیم شده اند. در این مقاله و با عنایت به موضوع، عوامل موجه قدرت یابی ترامپ متغیر مستقل و تبیین کننده و ریشه های قدرت یابی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ متغیر وابسته و تبیین شونده محسوب می شوند. بر اساس متغیر های های مستقل و وابسته فرضیه مقاله را می توان در قالب گزاره ی ذیل تبیین نمود و آن اینکه: قدرت یابی دوباره ترامپ ریشه تابعی از جنبش (ماگا) و حمایت قدرت پنهان از ترامپ، اقتصاد فشل و ناکارآمدی



دموکرات‌ها، به چالش رفتن مرجعیت علمی سلبریتی‌ها، بهره‌گیری ترامپ از ادبیات تهاجمی در فرایند مناظرات انتخاباتی، عدم محبوبیت بایدن و مسائل اجتماعی، عدم آمادگی آمریکا برای پذیرش رئیس‌جمهوری زن، عملکرد ضعیف رای‌دهندگان لاتین تبار‌ها، تمرکز بیش از حد هریس بر تحقیر ترامپ، ترور ناکام و عقیم ترامپ، حمایت ایالت‌های چرخشی، عملکرد ضعیف دموکرات‌ها، تناقض و غافلگیری در نظر سنجی‌ها و استفاده ترامپ از ادبیات اغوا گرایانه در در رقابت‌های انتخاباتی بوده است.

## (۱) روش تحقیق

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از الگوی نظری جکسونیسم در نظام بین‌الملل، از منظر هدف: کاربردی است. از حیث نتیجه‌گیری: کاربردی - توسعه‌ای، از جهت رویکرد انتخاب: عقلایی، و از منظر تحلیل داده‌ها: کیفی و به لحاظ ماهیت پژوهش، تبیینی (تعلیلی)، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات، اسنادی است که از طریق مراجعه به کتابخانه و آرشیو مقالات و همچنین جستجو در شبکه‌های الکترونیکی و اینترنتی انجام شده است.

## (۲) جکسونیسم: الگوی نظری برای فهم چارچوب نظری پژوهش حاضر

طبق تعریف دایره‌المعارف بریتانیکا، جکسونیسم یا سیاست جکسونیسم به مثابه الگوی برای فهم سیاست خارجی روسای جمهوری نظام سیاسی ایالات متحده آمریکا، اشاره به سیاستی دارد که بر اساس آموزه‌های اندرو جکسون در دهه‌های ۱۸۲۰ و ۱۸۳۰ در نظام سیاسی آمریکا رایج بود. مهمترین و مشخص‌ترین الگوی جکسونیسم، نفی تفکر و رویه‌های لیبرالیستی حاکم بر جامعه و در پیش گرفتن شیوه‌های کالملا متضاد با آموزه‌های بین‌الملل‌گرایی لیبرال است. (دهشیار، ۱۳۸۶: ۴۸) از حیث نظری این سنت جکسونیسم به عنوان راهنما و الگوی عملی برای اجرایی‌سازی سازوکارهای سیاست خارجی در نظام سیاسی ایالات متحده آمریکا مخالف بین‌الملل‌گرایی لیبرال در راستی سنت ویلسون یا همیلتون است. سنت جکسونیسم بر خلاف سنت ویلسون قائل به نگاه به درون می‌باشد. در



سنت جکسونیسم بازگشت به عظمت و شکوه گذشته آمریکا و نفی تمامی اصول لیبرالی تاکید می شود. ساده سازی بیش از حد مشکلات و تحلیل های ساده و سطحی از مسائل و معضلات پیچیده اجتماعی و سیاسی، شاخصه دیگر نظریه جکسونیسم می باشد. (Schwartz, Benjamin, ۱۹۹۶: ۱۰۸) تغییر و تحولات روی داده در حزب جمهوری خواه ظرف بیست سال گذشته و بحران های مالی موجب شد تا تفکرات جکسون تا آنجا گسترش یابد که در خلال کارزارهای انتخاباتی سال ۲۰۱۶ به یک ابزار ایدئولوژیکی بسیار مهم تبدیل شود. همچنین انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهور آمریکا را می توان شورش علیه مبانی لیبرال در شکل گیری منطقه «نورث ایست» یکی از نماد های سرمایه داری و تجارت آزاد دانست. با وجود آنکه ترامپ خود یکی از چهره های برجسته عرصه کسب و کار در منطقه «نورث ایست» محسوب می شود، اما در عین ناباوری و با سر دادن شعار های پوپولیستی و اتخاذ مریکانلیسم اجتماعی یعنی سود انگاری برای رساندن آمریکا بر اساس رسالت گرایی هنجاری یا همان «اول آمریکا» یا «آمریکای نخست» توانست زمینه های آزرده گی خاطر و نارضایتی روستائیان سفید پوست محافظه کار و مسیحی به خاطر بروز بحران مالی را فراهم آورده و از این شرایط به نفع خود استفاده کند. (James H Nolt, ۲۰۱۶: ۱۸)

### ۳) واشکافی پدیده ترامپ و ترامپیسم

ترامپ را می توان پدیده انتخاباتی آمریکا در کنوانسیون های ایالتی، کنوانسیون ملی حزب جمهوری خواه و پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۲۰۱۶ در نظام سیاسی ایالات متحده آمریکا دانست. محور اصلی اندیشه های ترامپ را «ملی گرایی آمریکایی» تشکیل می دهد. ادبیات سیاسی و الگوی رفتاری ترامپ، نشانه هایی از ملی گرایی آمریکایی را منعکس می سازد. نشانه اصلی ملی گرایی آمریکایی مبتنی بر انگاره هایی مانند «شهری بر فراز تپه» و «رسالت گرایی هنجاری» و «ژئوپلیتیک جهانی» قرار دارد. قدرت اقتصادی، جایگاه رسانه ای و موقعیت سیاسی دونالد ترامپ تحت



تأثیر نهاد‌هایی قرار دارد که «کالینز پایپر»<sup>۱</sup> از آن به عنوان قدرت پنهان در آمریکا نام می‌برد. محور اصلی قدرت پنهان آمریکا را می‌توان در نهاد‌هایی دانست که گروه‌های صهیونیست محور در ساختار سیاسی ایالات متحده آمریکا ایجاد نموده و زمینه جایگاه یابی ترامپ را به وجود آورده‌اند. الگوهای رفتار سیاسی و کنش راهبردی ترامپ معطوف به جهان گرایی و قدرت جهانی آمریکا خواهد بود. محور اصلی اندیشه راهبردی ترامپ را رهبری جهان بر اساس قدرت، ابتکار عمل تشکیل می‌دهد. انتشار کتاب «هنر معامله»<sup>۲</sup> که ترامپ آن را بهترین کتاب خود بعد از انجیل می‌داند، نشان دهنده آن است که ترامپ از قابلیت لازم برای پیوند با گروه‌هایی برخوردار بوده که از قابلیت انجام جنایت‌های سازمان یافته در آمریکا برخوردارند. دونالد ترامپ توانست بر اساس پیوند بت نهاد‌های پیرامونی و ساختاری در آمریکا، طیف گسترده‌ای از گروه‌ها و نیرو‌هایی را سازماندهی کند که نقش محوری در ظهور محافظه‌کاری تهاجمی ایالات متحده ایفا نمایند به قدرت رسیدن افرادی مانند «مایکل پنس»<sup>۳</sup> و «مایک پمپئو»<sup>۴</sup> و «جیمز متیس»<sup>۵</sup> و «نیکی هلی»<sup>۶</sup> و «جینا هاسپل»<sup>۷</sup> رئیس جدید سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا در ساختار سیاسی و حوزه قدرت نشان می‌دهد که الگوی رفتاری ترامپ در محیط منطقه‌ای مبتنی بر نشانه‌هایی از اقتصاد نظامی، آشوب‌سازی مرحله‌ای و بحران‌های امنیتی خواهد بود. واقعیت آن است که داستات ترامپ به عنوان تاجری پر رنگ و لعاب زبازد بسیاری از لایه‌های اجتماعی آمریکا بوده است. ترامپ حوزه‌های مختلف تجارت تا برج‌سازی را تجربه کرده و در نهایت وارد حوزه سیاست گردید. سرنوشت سیاسی ترامپ تابعی از تیز هوشی شخصیتی، ابتکار عمل و سودجویی است که آن را به عنوان زیر بنای حرکت سیاسی و راهبردی در ایالات متحده به کار گرفته و بر این اساس به مطلوبیت‌های قابل توجهی در حوزه اقتصادی و راهبردی نایل گردیده است. چه در

<sup>۱</sup> - Kalinz Payper

<sup>۲</sup> - The art of Deal.

<sup>۳</sup> - Miykel Pens.

<sup>۴</sup> - Mayke Pompeo.

<sup>۵</sup> - Jims Matis.

<sup>۶</sup> - Niky Hily.

<sup>۷</sup> - Jina Haspel.



آستانه انتخابات ۲۰۱۶ و چه در آستانه انتخابات ۲۰۲۴ ترامپ توانست در سایه پوپولیسم، تیز هوشی و ادبیات تهاجمی و به واسطه استفاده از کنش ها و الگو های رفتاری منحصر به فرد خود، احساسات نهفته جامعه آمریکا را منعکس می کرد او تلاش کرد که هویت جدیدی را از آمریکا ارائه و پرزنت کند. ترامپ در باز نمایی جامعه آمریکا در آستانه این انتخابات، می خواست آمریکا را در ژانر فیلم هایی چون: مرد شش میلیون دلاری، جیمز باند، کارتون ماسک و سگ قهرمان پرزنت نماید. ترامپ در آستانه این انتخابات در صدد مقابله جویی با الیگارشسی قدرت بود و از ادبیات اغوا گرانه و انتقادی علیه سازو کار های قدرت بهره گرفت. ترامپ در سایه این ادبیاتن موجد تولید نوعی ملی گرایی آمریکایی و باز تولید جامعه پذیری سیاسی و احیای سنت جکسونیسم بود. (متقی، ۱۴۰۲: ۱۰) خروج ترامپ از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) نشان می دهد که نامبرده از سیاست مشت آهنین در برخورد با بازیگران منطقه ای بهره خواهد گرفت. محور اصلی کتاب «هنر معامله» دونالد ترامپ بر تبانی بازیگران برای انحصار قدرت و خارج ساختن بازیگران حاشیه ای از رقابت اقتصادی است. الگوی رفتاری دونالد ترامپ هم اکنون در حوزه رفتار سیاسی، منطقه ای و بین الملل به کار گرفته شده است. ترامپ در صدد است تا سازوکار های قدرت مبتنی بر تبانی را برای خارج کردن بازیگران چالشگر را در دستور کار قرار دهد. الگوی رفتاری ترامپ در برخورد با رقبای انتخاباتی، نخبگان سیاسی انتقادی و کشور هایی که دارای سیاست انتقادی نسبت به ایالات متحده هستند بر اساس تصاعد چالش و بحران شکل گرفته است. بخش قابل توجهی از الگو های رفتاری ترامپ در راستای بهره گیری از ابتکار عمل سیاسی و اقتصادی در فضای چالشی محسوب می گردد کتاب هنر معامله ترامپ به این موضوع اشاره دارد که باز های پر مخاطره، بیشترین منافع و مازاد اقتصادی را برای ایالات متحده ایجاد می کند. (ترامپ، ۱۳۹۷: ۱۸۵)

در راستای چنین اهدافی است که ترامپ آنچه را در کتاب «هنر معامله» در خصوص الگو های کنش اقتصادی در فضای رقابتی و محاصره به آن اشاره داشته را در حوزه رفتار سیاسی و سیاست خارجی

<sup>۱</sup> - The art of Deal.



به کار می‌گیرد. ترامپ بر این اعتقاد است که ایالات متحده از انحصار قدرت در سیاست جهانی برخوردار بوده، بنابراین لازم است تا از سازو کار هایی مانند تبانی، ائتلاف و الحاق راهکنشی (تاکتیکی) برای مقابله با برخی از بازیگران استفاده نماید. سیاست پر هیجان و آشوب ساز ترامپ در شرق آسیا، منجر به متقاعد سازی روسیه و چین برای کاهش قدرت راهبردی کره شمالی گردید. (ترامپ، ۱۳۹۶: ۶۶) یکی دیگر از ویژگی های شخصیتی دونالد ترامپ در حوزه اقتصاد را بایستی همکاری با گروه های جنایات سازمان یافته دانست. چنین گروه هایی در حوزه صنعت قمار و کازینو داری از جایگاه ویژه ای برخوردار هستند. هنر معامله ترامپ به این موضوع اشاره دارد که بهره گیری از سازو کار های از پیش تدارک دیده شد مبنی بر فعال سازی گروه های زیر زمینی برای اثر گذاری بر نهاد های اقتصادی و گروه های سیاسی، بیشترین سودمندی را ایجاد می کند. الگوی ارتباط و همکاری ترامپ و برخی دیگر از سیاستمداران صاحب نفوذ با مقام های پلیس، قضات و سرمایه گذاران وال استریت با اراذل و اوباش در قالب گروه های جانیت پیشه سازمان یافته، زمینه ایجاد شبکه هایی را به وجود می آورد که از قابلیت لازم برای واپایش محیط اجتماعی و نظام جهانی برخوردار خواهد بود. تحلیل سیاست ترامپ در برخورد با جمهوری اسلامی ایران و حوزه سیاست بین الملل را می توان به عنوان بخشی از سازو کار ها و فرایندی دانست که واقعیت های جدید رفتار ایالات متحده را منعکس می سازد. تبار شناسی دونالد ترامپ، زمینه های لازم برای شناخت شخصیتی را به وجود می آورد که از انگیزه لازم برای ایجاد چالش در حوزه ساختار داخلی ایالات متحده برخوردار است. سازو کار های چالشی ترامپ منجر به شکل گیری شرایطی گردید که تنها ۵ درصد آرای انتخابات ریاست جمهوری واشنگتن دی سی را در نوامبر ۲۰۱۶ و در انتخابات پنجم نوامبر ۲۰۲۴ را به دست آورد. هم اکنون دونالد ترامپ تلاش دارد تا سیاست گسترش چالش را در برخورد با جمهوری اسلامی ایران و سیاست بین الملل در حوزه های مختلف جغرافیایی به آزمون گذارد. تنها الگوی رفتار موثر در برابر چنین بازیگرانی را بایستی بهره گیری از سیاست قدرت و سازو کار هایی دانست که مبتنی بر نشانه هایی از مقاومت در حوزه های مختلف جغرافیایی باشد. هر گونه عقب نشینی بازیگران در



محیط سیاسی بر اساس انگاره های دونالد ترامپ، زمینه لازم برای افزایش اجبار و تهدید را فراهم می سازد. انگاره ترامپ کنش در فضای انحصار قدرت است که به قدرت های بزرگ، انگیزه لازم برای خطر پذیری (ریسک) بیشتر را اعطا می کند. (متقی، ۱۴۰۲: ۱۲)

#### ۴) سنجش فرضیه های پژوهش به واسطه تحلیل داد ها در راستای پرسش اول

داده های مبتنی بر فرضیه اول پژوهش بر این نکته تاکید دارد که قدرت یابی دوباره ترامپ ریشه تابعی از جنبش (ماگا) و حمایت قدرت پنهان از ترامپ، اقتصاد فشل و ناکارآمدی دموکرات ها، به چالش رفتن مرجعیت علمی سلبریتی ها، بهره گیری ترامپ از ادبیات تهاجمی در فرایند مناظرات انتخاباتی، عدم محبوبیت بایدن، عدم آمادگی آمریکا برای پذیرش رئیس جمهوری زن، عملکرد ضعیف رای دهندگان لاتین تبار ها، تمرکز بیش از حد هریس بر تحقیر ترامپ، ترور ناکام و عقیم ترامپ، حمایت ایالت های چرخشی، عملکرد ضعیف دموکرات ها، تناقض و غافلگیری در نظر سنجی ها و استفاده ترامپ از ادبیات اغوا گرایانه در در رقابت های انتخاباتی بوده است.

#### ۴-۱) قدرت یابی ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ بر مبنای جنبش ماگا

«عظمت را دوباره به آمریکا بازگردانیم»<sup>۱</sup> یک شعار انتخاباتی میان سیاستمداران آمریکایی است که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ توسط دونالد ترامپ محبوب شد. رونالد ریگان در مبارزات انتخاباتی خود در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۸۰ از شعار مشابه «بیاید عظمت را دوباره به آمریکا بازگردانیم» استفاده کرد. بیل کلینتون نیز این عبارت را در سخنرانی های خود در طول مبارزات انتخاباتی اش در انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۹۲ به کار برد و بار دیگر در یک رادیو تبلیغاتی برای کارزار انتخاباتی اولیه همسرش هیلاری کلینتون در سال ۲۰۰۸ این شعار با کاربرد گسترده در هنر، برنامه های سرگرمی و سیاست، به یک پدیده در فرهنگ عامه تبدیل شده است و توسط مخالفان و هواداران دونالد ترامپ هم

<sup>۱</sup> - Make America Great Again.



در انتخابات ۲۰۱۶ و هم در انتخابات ۲۰۲۴ استفاده شد. در طول مبارزات انتخاباتی، ترامپ غالباً از این شعار استفاده می‌کرد، به‌خصوص با پوشیدن کلاه‌های مزین به این عبارت با حروف سفید که بین هواداران او محبوب شد. این شعار برای مبارزات انتخاباتی او آنقدر مهم بود که در یک مقطع زمانی هزینه بیشتری صرف تولید کلاه‌ها می‌شد، که به ازای هر ۲۵ دلار در وبگاه خود ترامپ فروخته می‌شدند، تا صرف نظر سنجی، مشاوره یا تبلیغات تلویزیونی. ترامپ ادعا کرد که میلیون‌ها دانه از این کلاه‌ها فروخته شده است. پرزیدنت ترامپ در ژانویه سال ۲۰۱۷ اظهار داشت که شعار «عظمت آمریکا را حفظ کن» شعار اصلی کارزار انتخابی او در سال ۲۰۲۴ است. (Trump, ۲۰۲۴: ۱۲)

#### ۴-۲) قدرت یابی ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ حمایت قدرت پنهان آمریکا از ترامپ

ترامپ بر اساس الگوی رفتاری مبتنی بر ملی‌گرایی آمریکایی توانست موقعیت مطلوبی را در آستانه انتخابات ۲۰۱۶ و ۲۰۲۴ برای خود فراهم کند. این موقعیت مطلوب حاصل حمایت قدرت پنهان آمریکا از ترامپ بوده است. قدرت پنهان در آمریکا مشتمل بر خانواده‌های را کفلر، خانواده روچیلد، باشگاه‌های شبانه، سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، موساد، کازینوی قمار آتلانتیک سیتی در نیوجرسی، شرکت مری کارتر و مایر لانسکی رئیس سرشناس هیئت مدیره سندیکای کازینو داران آمریکا می‌شود. تمامی نهاد های یا شده زیر ساخت های قدرت پنهان در آمریکا را شکل می‌دهند. هرگاه صحبت از قدرت پنهان در ایالات متحده آمریکا می‌شود، نقش سازمان های اطلاعاتی، نهاد های صهیونیست محور و خانواده هایی برجسته می‌شود که سیاست قدرت و الگو های کنش تهاجمی برای ثروت بیشتر را سازماندهی می‌کنند. حمایت این گروه ها موجی قدرت یابی ترامپ ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶ و ۲۰۲۴ گردید. (متقی، ۱۴۰۲: ۱۸)



## ۳-۴) قدرت یابی ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ به واسطه اقتصاد فشل و ناکارآمدی دموکرات ها

با وجود اینکه اقتصاد آمریکا توانست به سرعت خود را از تبعات همه گیری کووید-۱۹ رها کند، جو بایدن رئیس جمهور آمریکا در متقاعد کردن رأی دهندگان نسبت به این موضوع که سیاست هایش توانسته اند وضعیت اقتصادی را بهبود ببخشند، ناموفق بوده است. در نظرسنجی ها، اکثر مردم آمریکا می گویند که در زمینه مدیریت اقتصاد، دونالد ترامپ رئیس جمهور پیشین این کشور عملکرد بهتری نسبت به بایدن داشته است. کارنامه اقتصادی هر دو رئیس جمهور با همه گیری کووید-۱۹ و تبعات بعد از آن همراه بوده است. بحران کووید باعث شد بازار کار به شدت دچار مشکل شود، نرخ تورم به بالاترین سطح خود در دهه های اخیر برسد و تریلیون ها دلار به بدهی فدرال اضافه شود. از منظر افزایش تعداد مشاغل جدید باید گفت که بایدن زمانی وارد کاخ سفید شد که میلیون ها نفر به دلیل همه گیری کرونا هنوز شغلی نداشتند. حتی با این وجود، رشد سریع مشاغل جدید در سال های اخیر، بسیار بهتر از پیش بینی اقتصاددان ها بوده و باعث رشد اقتصادی قابل توجه آمریکا شده است. موضوع قابل توجه تر این است که با وجود سیاست های سختگیرانه فدرال رزرو برای کاهش سرعت رشد اقتصادی، بازار کار هنوز قوی باقی مانده است. در زمان ریاست جمهوری جو بایدن، کارفرمایان توانسته اند ۱۴ میلیون شغل ایجاد کنند؛ یعنی به طور میانگین بیش از ۴۰۰ هزار موقعیت شغلی در هر ماه. اخیراً سرعت ایجاد مشاغل جدید کاهش یافته و آمار ماه نوامبر حاکی از ایجاد ۱۹۹ هزار شغل جدید بوده است. در مقابل، در سه سال نخست ریاست جمهوری دونالد ترامپ و پیش از آغاز همه گیری که منجر به از دست رفتن ناگهانی بیش از ۲۰ میلیون شغل شد، اقتصاد تحت مدیریت ترامپ توانسته بود به طور میانگین ۱۷۶ هزار شغل جدید در هر ماه ایجاد کند. در باره نرخ بیکاری به عنوان یک متغیر اقتصادی باید گفت که به غیر از افزایش شدید نرخ بیکاری در دوران همه گیری طی سال های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱، نرخ بیکاری در دوران هر دو رئیس جمهور، پایین باقی مانده است. در زمان ترامپ، بیکاری در اوایل ۲۰۲۰ و پیش از آغاز همه گیری به ۵/۳ درصد رسید که پایین ترین سطح آن در حدود نیم قرن گذشته بود. در زمان



بایدن، نرخ بیکاری حتی کمتر شد و در اوایل سال جاری میلادی به ۳/۴ درصد رسید. نرخ بیکاری آمریکا اکنون ۷/۳ درصد است. همچنین نرخ بیکاری برای کارگران اسپانیایی‌زبان، زنان سیاه‌پوست و افراد دارای معلولیت، تحت نظارت بایدن به پایین‌ترین حد خود رسیده است. نرخ بیکاری سیاه‌پوستان در دوران بایدن و ترامپ کاهش یافت، اما این نرخ در دوران ریاست‌جمهوری بایدن و در اوایل ۲۰۲۳ به پایین‌ترین سطح تاریخ خود رسید. در باره رشد اقتصادی به عنوان متغیر دیگر اقتصادی باید گفت که رشد اقتصادی اقتصاد آمریکا در دوران جو بایدن و دونالد ترامپ با سرعت ثابتی گسترش پیدا کرده است. تولید ناخالص داخلی از زمان آغاز ریاست‌جمهوری بایدن حدود ۲۲ درصد رشد داشته است و این میزان در زمان ترامپ و پیش از همه‌گیری که رکود اقتصادی را به همراه داشت، ۱۴ درصد بود. حتی با این وجود، اقتصاد آمریکا به کمک بسته‌های مالی حمایتی به ارزش تریلیون‌ها دلار، به سرعت خود را بازیابی کرد و تا زمانی که ترامپ کاخ سفید را ترک کرد نیز در حال رشد بود. در زمان بایدن، اقتصاد ایالات متحده پیش از کاهش طی ۶ ماه در سال ۲۰۲۲، طی ۱۵ ماه متوالی با رشد همراه بوده است. اما اقتصاددانان خاطرنشان می‌کنند که نرخ فعلی رشد اقتصادی - نرخ سالانه ۹/۴ درصدی تا سپتامبر - ناپایدار است و بسیاری انتظار دارند رشد در سال آینده کاهش یابد. در باره قیمت حامل‌های انرژی به ویژه بنزین به عنوان متغیر دیگر اقتصادی، روسای جمهور کنترل بسیار کمی بر قیمت بنزین دارند، اما این موضوعی است که ترامپ توانسته بود در آن مدیریت بهتری داشته باشد و قیمت بنزین در دوران او پایین بود؛ اتفاقی که می‌تواند برخی نارضایتی‌های مردم آمریکا از شرایط فعلی اقتصادی را توضیح دهد. تبعات همه‌گیری، جنگ اوکراین و افزایش تقاضا، همگی باعث شده‌اند قیمت بنزین از سال ۲۰۲۰ با نوسان شدیدی همراه باشد. از آوریل ۲۰۲۰ تا آوریل ۲۰۲۲، قیمت بنزین بیش از دو برابر شده، اما از ژوئن ۲۰۲۲ که اوج قیمت بنزین بود (۵ دلار به ازای هر گالن)، قیمت‌ها در حال کاهش است. تحلیل‌گران اعلام کرده‌اند قیمت بنزین تا پایان سال می‌تواند به کمتر از ۳ دلار به ازای هر گالن کاهش پیدا کند. در باره نرخ تورم به عنوان یکی از متغیرهای مهم اقتصادی باید گفت که تورم تورم یک چالش دائمی برای دولت بایدن بوده است. افزایش قابل توجه قیمت‌ها پس از



همه‌گیری کرونا باعث شد نرخ تورم آمریکا به بالاترین سطح خود در بیش از ۴۰ سال گذشته افزایش پیدا کند. اگرچه نرخ تورم از اوج خود در تابستان ۲۰۲۲ فاصله گرفته و کاهش پیدا کرده است، قیمت‌ها هنوز ۳ درصد بیشتر از سال ۲۰۲۲ هستند. آمریکایی‌ها می‌گویند هزینه‌های بالاتر دیدگاه آن‌ها را نسبت به اقتصاد مخدوش کرده است و رأی‌دهندگان به طور مداوم از تورم به عنوان نگرانی اصلی اقتصادی خود یاد می‌کنند. در باره درآمد قابل تصرف به عنوان متغیر دیگر اقتصادی باید اینگونه گفت که قدرت خرید مردم آمریکا در مقایسه با اوایل ریاست جمهوری جو بایدن کاهش یافته است. پایین آمدن میزان بسته‌های مالی برای بهبود وضعیت اقتصادی به علاوه افزایش قیمت‌ها باعث شده‌اند درآمد خانوارها از سال ۲۰۲۰ با نوسان شدیدی همراه باشد. با این حال، بسیاری از آمریکایی‌ها در حالی سال ۲۰۲۳ را به پایان می‌رسانند که وضعیتشان از یک سال قبل بهتر شده زیرا افزایش دستمزدها بیشتر از سطح تورم بوده است. در مقابل، در طول سال‌های ترامپ، آمریکایی‌ها تا زمان شروع همه‌گیری شاهد افزایش مستمر قدرت خرید بودند. به طور کلی، درآمد واقعی قابل تصرف یا همان پولی که پس از مالیات و تورم برای آمریکایی‌ها باقی می‌ماند، بین ژانویه ۲۰۱۷ تا ژانویه ۲۰۲۰ حدود ۱۰ درصد افزایش یافت. (اکو ایران، ۱۴۰۳: ۱)

#### ۴-۴) قدرت یابی ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ به واسطه به چالش رفتن مرجعیت علمی سلبریتی‌ها

در انتخابات ۲۰۲۴ سلبریتی‌هایی مانند بیانسه، تیلور سوئیفت، جینیفر لوپز، مدونا، بیلی آیلش، فینال اوکانل، رابرت دنیرو، جورج کلونی، مارک رافالو، آلن دیجنرس، اوپرا وینفری، اسپایک لی، جف بریجز، پینگ، جی جی آبرامز و حتی باراک اوباما و میشل اوباما و حتی بسیاری از بازیگران هالیوود از کاملاً هریس حمایت کردند. نتایج انتخابات نشان داد که مردم حتی به حرف‌های سلبریتی‌ها گوش نمی‌دهند. علت گوش ندادن سلبریتی‌ها این بود که حوزه دانش سلبریتی‌ها مربوط به تخصصی بلکه به حوزه دانش‌های عمومی است و سلبریتی فاقد مسئولیت پذیری سیاسی هستند و تحلیلی درست و منطقی در پس رفتارها، موبایل‌زایشن و بسیج افکار عمومی وجود ندارد. در مقابل در کمپین انتخاباتی



ترامپ به جای سلبریتی‌ها، بسیاری از کارآفرینان، سرمایه‌گذاران تجاری و ثروتمند مانند ایلان ماسک قرار داشتند که کفه نتایج انتخابات را به نفع ترامپ و پیروزی‌اش تغییر دادند. وجود این گروه کارآفرینان نشان داد که آنها را نمی‌توان جانشین سلبریتی‌ها ساخت.

#### ۴-۵) قدرت یابی ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ به واسطه بهره‌گیری ترامپ از ادبیات تهاجمی در فرایند مناظرات انتخاباتی

ترامپ در فرآیند های مناظراتی چه در انتخابات ۲۰۱۶ و چه در انتخابات ۲۰۲۴ به واسطه استفاده از نشانگانی از روان‌شناسی فرویدی از الگوهای چون: لذت جویی، ابتکار عمل، قدرت طلبی، تمسخر و تحقیر و با مانور دادن و نمایاندن نقاط ضعف هریس یا همان پاشنه آشیل و چشم‌سفند یار آنها استفاده کند. به همان میزانی که هریس توانست از تاکتیک صبر، حوصله و لب‌خند و از اخلاق حرفه‌ای و مصالحه بهره‌گیرد، در مقابل ترامپ از سازوکارها تهاجمی و ادبیات غیرمحترمانه‌ای بهره‌گرفت. استفاده از چنین ادبیاتی توانست بر ذهنیت و ادراک لایه‌های مختلف اجتماعی به نفع ترامپ در پیروزی بر هریس اثرگذار باشد.

#### ۴-۶) قدرت یابی ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ به واسطه بهره‌گیری از عدم محبوبیت بایدن و مسائل اجتماعی

نظرسنجی‌های آستانه انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا نشان داد که بایدن ۵ درصد از دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق و رقیب جمهوری خواه خود در انتخابات آینده ریاست‌جمهوری عقب‌تر است. پیش از این نیز نشریه نیوزویک گزارش داده بود که کاهش میانگین محبوبیت بایدن به کمتر از ۵۰ درصد نشان می‌دهد بیش از نیمی از شهروندان آمریکایی از عملکرد او به عنوان رئیس‌جمهوری راضی نیستند. میزان محبوبیت جو بایدن در سال اول ریاست‌جمهوری حدود ۵۰ درصد بود، اما این عدد به تدریج به زیر ۵۰ درصد سقوط کرد. گرچه آخرین نظرسنجی سراسری نشان می‌داد که بایدن فاصله خود را نسبت به ترامپ به ۲ درصد رسانده (۴۴ درصد ترامپ در برابر ۲۲ درصد بایدن)، اما این میزان



محبوبیت برای رئیس جمهور مستقر امیدوارکننده نبود. نظرسنجی جدید انجام گرفته از سوی موسسه نظرسنجی یوگاو نشان داد مدیریت جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا در حمله رژیم صهیونیستی به غزه، تاثیر زیادی بر کاهش شانس وی جهت پیروزی مجدد در انتخابات دارد. موضوعی که نشان دهنده این واقعیت بود که سیاست‌های بایدن در قبال این جنگ نه تنها از نظر اخلاقی، اشتباه بوده بلکه از نظر سیاسی هم برای وی فاجعه‌آمیز بوده است. در باره مسائل اجتماعی نیز مسئله و مانور اصلی دموکرات روی سقط جنین و پایان بارداری خود خواسته بود، اما ترامپ روی مسئله مهاجرت تمرکز کرد.

#### ۷-۴) قدرت یابی ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ به واسطه عدم آمادگی آمریکا برای پذیرش رئیس جموری زن

نتایج انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا نشان داد که نظام سیاسی آمریکا همچنان یک جامعه سنتی و تحت سلطه نرینه محوری و سنت فالو سنتریسمی و پدر سالاری است که بسیاری از اقشار علاقه ندارند که یک زن در بالا ترین سند اجرایی و تصمیم گیری در آمریکا قرار بگیرد. نتایج این انتخابات نشان داد که آمریکایی ها یک رئیس جمهور زن نمی خواهند به ویژه اگر این رئیس جمهور بخواهد زن و از اقلیت های نژادی باشد. در مقابل ترامپ در زمره اکثریت نژادی و متعلق به نژاد سفید و کوکلاکس کلان بوده است.

#### ۸-۴) قدرت یابی ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ به واسطه عملکرد ضعیف رای دهندگان لاتین تبار ها

در شرایطی که رنگین پوستان و لاتین تبار ها قرار بود به هریس رای دهند اما به ترامپ رای دادند. اصلی ترین دلیل تغییر این دیدگاه را شاید بتوان دغدغه های اقتصادی رای دهندگان لاتین تبار دانست. همانطور که بسیاری از نظرسنجی ها نشان می داد، نگرانی از وضعیت اقتصادی خانواده های لاتین تبار حتی بیش از نگرانی از شیوع کرونا بر جامعه آمریکا سایه افکنده و به اولین اولویت آنها در زمان انتخاب رئیس جمهور آینده تبدیل شده بود. در اهمیت موضوعات اقتصادی در زمان انتخابات



همین بس که ایالات متحده در ماه آوریل به علت تعطیل شدن اجباری کسب و کارهای غیرضروری و دستور عمومی برای ماندن در خانه‌ها، با بالاترین نرخ بیکاری روبرو بود. اما پس از آن، با مقاومت مردم و همراهی‌های دونالد ترامپ بار دیگر کارفرمایان جذب نیروهای کار را آغاز کردند.

#### ۴-۹) قدرت یابی ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ به واسطه تمرکز بیش از حد هریس بر تحقیر ترامپ

کاملاً هریس نامزد دموکرات‌ها به جای تدارک و تمرکز بر برنامه‌های انتخاباتی بیش از اندازه بر روی ترامپ تمرکز کرد و ترامپ را فاشیست، دیوانه‌ای که قطار سیاستش همواره خالی می‌رود، نامتعادل، خود شیفته و درای تمایلات نارسیمی و حتی هیتلر نامید. این عناوین به منظور حراج دادن آبروی سیاسی ترامپ از طرف هریس کمکی به وضعیت هریس در پیروی انتخابات نکرد بلکه ورق را به ضرر آن تغییر داد.

#### ۴-۱۰) قدرت یابی ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ به واسطه ترور ناکام و عقیم ترامپ

شلیک گلوله‌های ناگهانی (توماس متیو کروکس) در روز شنبه ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۴ آنهم در جریان یک سخنرانی در ایالت پنسیلوانیا سطحی و فقط بخشی از صورت و قسمت بالایی گوش سمت راست ترامپ را خراش داد. به واقع گلوله‌هایی از بیخ گوش ترامپ رد شدند، به پای بایدن و سپس هریس اصابت کرد. تاریخ سوء قصد‌های این‌چنینی در ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد که نتیجه نه به نفع ضارب و جریان منتسب به او، بلکه به نفع مضروب و جریان متبوع او تمام خواهد شد. بهترین نمونه و مصداق برای درستی این ادعا مربوط به ترور ریگان بعد از سه ماه ورود به کاخ سفید یعنی در تاریخ ۳۰ مارس سال ۱۹۸۱ می‌باشد که منجر به محبوبیت و پیروزی دوباره قاطع او و جمهوری خواهان در انتخابات ۱۹۸۴ گردید. برنده این سوء قصد کنونی هم ترامپ است به ویژه در ایالتی که جمهوری خواهان در آن رای ندارند و یکی از پایگاه سنتی حزب دموکرات آمریکاست. به این ترتیب این سوء قصد و ترور ناموفق به دنبال پیروزی ترامپ در رای دیوان عالی و درخشش در راند اول مناظره با



بایدن، موجب محبوبیت بیشتر او شد و نتیجه انتخابات ماه نوامبر ۲۰۲۴ را همچون نتیجه انتخابات نوامبر ۱۹۸۴ به نفع جمهوری خواهان تغییر داد. این ترور عقیم و ناکام موجب اعتماد به نفس ترامپ نیز شد. به واقع اعتماد به نفسی که در سیمای ترامپ بعد از ترور ناموفق به نمایش در آمد. بروز چنین اعتماد به نفسی را می توان نشانه ای برای ملی گرایی و هویت گرایی آمریکایی دانست که مدت های مدید و دیر بازی از سوی نخبگان و ساختار جامعه نخبه گرای آمریکا فراموش شده بود. به واقع نمایش این اعتماد به نفس چیزی جز بیان مجدد آرزو ها و تلاش برای تحقق وعده بازگشت عظمت رویا های آمریکایی نیست. هر چند که برخی از دموکرات ها به همراه مخالفان ترامپ را نماد طنز و کمیدی در دموکراسی و مردم سالاری جعلی دانستند. ترامپ در این اعتماد به نفس پس از ترور عقیم تلاش داشت که از رهگذر باز تولید ناسیونالیسم و هویت گرایی، زمینه را برای ایجاد هم رنگی اجتماعی فراهم کند.

#### ۴-۱۱) قدرت یابی ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ به واسطه حمایت ایالت های چرخشی

هریک از ایالت های پنجاه گانه ایالات متحده آمریکا به صورت سنتی باید به حزب جمهوری خواه و دموکرات رای دهند. اما تعیین کننده هر انتخاباتی هفت ایالت چرخشی آریزونا، ویسکانسین، کارولینای شمالی، جورجیا، میسیگان، نوادا، پنسیلوانیا است که راه عمارت ۱۶۰۰ خیابان پنسیلوانیا یا همان کاخ سفید را فراهم می کند. در این انتخابات طبق نظر سنجی ها که قرار بود که این هفت ایالت چرخشی به خانم هریس رای دهند اما همگی به ترامپ رای دادند تا او با اخذ ۳۱۵ رای کالج الکترال چهل و هفتمین رئیس جمهور آمریکا شود.

#### ۴-۱۲) قدرت یابی ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ به واسطه عملکرد ضعیف دموکرات ها

ناکارآمدی بایدن در امور داخلی و خارجی همزمان با زوال عقلانی-جسمانی که عمق خود را در مناظره اول با ترامپ نشان داد، باعث فشار دموکرات ها بر بایدن و کناره گیری او شد. مشکلات اقتصادی، مدیریت بحران های مهاجرتی، ناتوانی در جلب حمایت کامل حزب دموکرات، سیاست خارجی شکست خورده و بحران ساز دولت بایدن، خروج فاجعه بار از افغانستان، روابط پرتنش با چین،



مدیریت ضعیف بحران اوکراین، عدم موفقیت در بازگشت به برجام و ناکامی در مذاکرات، کمک به اسرائیل در انجام جنایت یکساله در غزه و زوال جسمانی و عقلانی؛ ضعفی که پاشنه آشیل بایدن شد، همگی به پای عملکرد دومرت ها نوشته شد.

#### ۴-۱۳) قدرت یابی ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ به واسطه تناقض و غافلگیری در نظر سنجی ها

نظر سنجی های های برگزار شده از سوی موسسه های رسانه ای ایالات متحده آمریکا بر اساس رویکرد طبقه متوسط شهری شکل گرفته است. در رقابت های انتخاباتی ۲۰۱۶ و ۲۰۲۴ در حالیکه تمامی نظری سنجی های هیلاری کلینتون و کملا هریس را پشتاز نشان می دادند، اما نتایج انتخابات تناقض و غافلگیری در نظری سنجی های و به روایتی بی اعتباری آنها را در رقابت دموکرات ها با ترامپ را نشان داد.

#### ۴-۱۴) قدرت یابی ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ به واسطه استفاده ترامپ از ادبیات اغوا گرایانه در رقابت های انتخاباتی

ترامپ در رقابت های انتخاباتی ۲۰۲۴ از ادبیات اغوا گرایانه استفاده کرد. استفاده از چنین ادبیاتی مسبوق به سابقه بود و ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶ نیز از این سبک و سیاق استفاده کرده بود. ادبیات اغوا گرایانه ترامپ در کارزار انتخابات ۲۰۱۶ و در انتخابات ۲۰۲۴ نه تنها علیه بایدن و کاملا هریس بلکه آن را باید نمادی از ادبیات انتقادی نسبت به ساختار سیاسی آمریکا دانست. به ویژه آنکه در شرایط حاضر ترامپ خنده های نمکین هریس را نشانه بلاهت، خفت و مایه وهن دموکرات های می داند. نقش یابی وخیز دوباره ترامپ به همراه ادبیات اغوا گرایانه اش نشان می دهد که ساختار اجتماعی و سیاسی آمریکا به واسطه حضور روسای جمهوری مربوط به حزب دموکرات به ویژه اوباما و بایدن با نشانه هایی از آنومی و بی ثباتی رو به رو شده است. آنومی یا بی ثباتی و بی هنجاری در شرایطی ظهور می یابد که ساختار اجتماعی، اعتماد عمومی خود را به نخبگان و نهاد های سیاسی از دست بدهد. شکل



گیری این تکانه و شوک اجتماعی را می توان به منزله کاهش سرمایه اجتماعی در روند مشارکت و کنش های انتخاباتی در ایالات متحده آمریکا دانست. انتشار فایل صوتی و آشکار سازی فساد اخلاقی ترامپ و رابطه اش با (استور می دنیلز) ابرستاره دنیای (پورن) از سوی گروه های رقیب را می توان به عنوان واکنش در برابر ادبیات اغوا گرایانه ترامپ برای متهم سازی دانست، در حالیکه چنین سازو کار هایی به نتیجه مطلوب برای پیروزی هیلاری در انتخابات ۲۰۱۶ نشد. این گونه مفاهیم و ادبیات زمینه های لازم برای انزجار نخبگان از ترامپ را به وجود آورده است، در حالیکه بسیاری از گروه های اجتماعی و شهروندان آمریکایی از ترامپ به عنوان فردی با جسارت برای نقش یابی سیاسی و ساختاری یاد می کنند. با وجود چنین فرآیندی واقعیت آن است که ترامپ منجر به کاهش سرمایه اجتماعی نخبگان در فضای افکار عمومی جامعه و ساختار حزبی آمریکا گردید. بر اساس چنین ادراکی نیرو های حاشیه ای آمریکا که بخشی از آنها را می توان در چارچوب جنبش (تی پارتی) و همچنین جنبش (وال استریت) تحلیل نمود، در روز انتخابات یعنی اولین دوشنبه ماه نوامبر ۲۰۱۶ از ترامپ حمایت به عمل آوردند. حتی تلاش مدونا، جنیفر لویز، باراک اوباما و میشل اوباما و برنی سندرز نیز نتوانست زمینه های پیروزی هیلاری را به وجود آورد. در انتخابات ۲۰۲۴ نیز به نظر می رسد که در همانند گذشته بر همان پاشنه می چرخد. در چنین بستری خیز دوباره ترامپ برای راه یابی به کاخ سفید بیانگر این نکته می باشد که هر گاه ساختار سیاسی و اجتماعی کشور ها با نشانه هایی از بحران رو به رو شود، زمینه برای ظهور نیرو های حاشیه ای به وجود می آید. به واقع نیرو های حاشیه ای در ایالت های کمتر توسعه یافته آمریکا توانستند زمینه پیروزی میلتری ترامپ در کسب کارت های الکترال کالج بیشتر را به وجود آورند. به این ترتیب، پیروزی ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶ و شاید در ۲۰۲۴ را می توان انعکاس نقش یابی نیرو های ناراضی از الیگارشیک قدرت دانست. تغییر در الگو های کنش سیاسی آمریکا به واسطه خیز مجدد ترامپ تابعی از عوامل و مولفه های فرهنگی و اجتماعی است. ترامپ تلاش دارد تا شکل جدیدی از موازنه تهدید را بر اساس مولفه های اجتماعی و گفتگمانی



در فضای داخلی ایالات متحده آمریکا و رقابت های بین المللی فراهم سازد. با این همه نمی توان گفت که قطار سیاستش همواره خالی نمی رود.

### نتیجه گیری

در پژوهش حاضر با بهره گیری از الگوی نظری جکسونیسم و با تحلیل کیفی داده ها و به روش تبیینی (تعلیلی)، توصیفی - تحلیلی و با روش گرد آوری داده ها و اطلاعات، به صورت اسنادی، ریشه های قدرت یابی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش پاسخ به پرسش پژوهش با هدف اثبات و سنجش فرضیه به واسطه داده های موجود در فرضیه یعنی داده هایی چون: جنبش (ماگا) و حمایت قدرت پنهان از ترامپ، اقتصاد فشل و ناکارآمدی دموکرات ها، به چالش رفتن مرجعیت علمی سلبریتی ها، بهره گیری ترامپ از ادبیات تهاجمی در فرایند مناظرات انتخاباتی، عدم محبوبیت بایدن و مسائل اجتماعی، عدم آمادگی آمریکا برای پذیرش رئیس جمهوری زن، عملکرد ضعیف رای دهندگان لاتین تبار ها، تمرکز بیش از حد هریس بر تحقیر ترامپ، ترور ناکام و عقیم ترامپ، حمایت ایالت های چرخشی، عملکرد ضعیف دموکرات ها، تناقض و غافلگیری در نظر سنجی ها و استفاده ترامپ از ادبیات اغوا گرایانه مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. واقعیت آن است سیاست ترامپی یا ترامپیسم، به عنوان یک ایده نو ظهور همواره ظرفیت و استعداد به قدرت رسیدن و تاثیر گذاری بر معادلات سیاسی و بین المللی آمریکا را دارد و ترامپ در چنین بستری به قدرت رسید. بستر های قدرت یابی ترامپ بیشترین مطابقت با آموزه های جکسونیسم را دارد که خلاف آموزه های بین الملل گرایی لیبرال ویلسون یا همیلتون می باشد. دونالد ترامپ در قامت یک رئیس جمهور و یک منتقد سر سخت نسبت به سیاست های دولت های گذشته نظام سیاسی ایالات متحده آمریکا، تمامی محور ها و اصول سیاست داخلی و خارجی را کنار نهاده و با تاکید بر شعار آمریکای اول به خصوص با حفظ برتری نظام سلطه و هژمونی، مسیر راهبرد کلان آمریکا را در مسیر جدیدی قرار داد.



## منابع و مأخذ

## الف) منابع فارسی

- ۱) ترامپ، دونالد (۱۳۹۶) هنر معامله به سبک ترامپ، ترجمه مبینا خسروی، تهران: انتشارات منوچهری.
- ۲) ترامپ، دونالد (۱۳۹۷) استراتژی امنیت ملی آمریکا، ترجمه خبرگزاری فارس.
- ۳) دهشیار، حسین (۱۳۸۶) سیاست خارجی و استراتژی کلان ایالات متحده آمریکا، تهران: انتشارات قومس.
- ۴) سامانه خبری و تحلیلی اکو ایران (۱۴۰۳) اقتصاد در انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا، تهران: سامانه خبری و تحلیلی اکو ایران
- ۵) متقی، ابراهیم (۱۴۰۲) ترامپ، جمهوری اسلامی ایران و سیاست بین الملل، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.

## ب) منابع انگلیسی

- ۱) James H. Nolt (۲۰۱۶). 'Is China a Currency Manipulator? World Policy Blog, January 14th 2016, (<http://www.worldpolicy.org/blog/2016/01/14/china-currency-manipulator>).
- ۲) Schwartz, Benjamin (۱۹۹۶). "Review: The Tragedy of American Isolationism", *World Policy Journal*. 13 (3): 107. JSTOR ۴۰۲۰۹۴۹۴. Retrieved December ۶, ۲۰۲۰
- ۳) Trump, Donald (۲۰۲۴) 'Make America Great Again' Racist? ".[www.voanews.com](http://www.voanews.com). Archived from the original on 2 May ۲۰۱۹. Retrieved ۲۰۱۹-۰۲-۲۵.